

فتح تو یک معجزه‌ی روشن است

نصر من الله و فتح قریب

ویژه نامه فرهنگی روزنامه

فرهنگ جنوب

با همکاری مرکز

رسانه و ارتباطات

حوزه هنری

استان خوزستان



پرونده ویژه رواق

صفحه ۲

از "قاسم" تا "سنوار"

صفحه ۶

خانه‌هایمان سنگر حزب خداست

صفحه ۷

سرود "النصر قریب"

صفحه ۸

شعر مقاومت

صفحه ۱۱

گردشگری مقاومت

صفحه ۱۲

کاریکاتور مقاومت

چقدر مرگ در نظرش
کوچک است...
مادری که هر شب به
جای لالایی، **اشهد**
درگوش فرزندش
زمزمه می کند!

طرح جلد: خانم مهناز صابر پور

آبر مردهای تاریخ ما از «قاسم» تا «سنوار»...

دروصف فرمانده دلاور حماس، یحیی السنوار

سیده رقیه آذرنگ



طوفان الاقصای تاریخی؟!

محمد علی بخشی پور

بود. پس از مدتی کوفه دوباره به دست کوفه افتاد و استاندار محبوب امویان حجاج بن یوسف حاکم کوفه شد. حجاج ۱۲۱ هزار نفر در زمان غیر از جنگ کشت و در کوفه زندانی ساخت که پنجاه هزار مرد و سی هزار در آن بودند که شانزده هزار نفر از آن ها برهنه بودند. هر کس شیعه بود یا اسم علوی داشت چنان به استضعاف کشیده می شد که حتی از مالیات و حق کار کردن بی بهره بود. طوریکه پسر به خاطر اسمش پدرش را لعن می کرد.

۴

امیر المومنین به مردم کوفه: آگاه باشید سوگند به خدا (بر اثر سستی و سهل انگاری در امر جهاد و جلوگیری نکردن از ستمگران کارتان بجائی رسد که) پسری از قبیله بنی ثقیف (حجاج ابن یوسف) بر شما (مردم کوفه) مسلط خواهد گردید که از روی تکبر و تبختر جامه بروی زمین کشد و از حق رو گردانیده جور و ستم بسیار نماید، سبزه شما را می خورد (مالتان را تصرف می نماید) و پیه شما را آب می کند (شما را همواره به ظلم و ستم گرفتار و رنجور سازد).

امام حسین (ع) در روز عاشورا: خداوند! باران را از آنان دریغ دار، و سال های قحطی، بسان خشکسالی زمان یوسف، بر آنان پدید آور، و فرزند ثقیف (حجاج بن یوسف ثقفی) را بر آنها مسلط ساز تا جام زهر ذلت و حقارت را بر کامشان فرو ریزد و کسی را در میانشان سالم و امگدارد تا آنجا که در برابر هر قتلی که انجام داده اند به قتلی و در برابر هر ضربه ای که زده اند، به ضربه ای گرفتار شوند و انتقام خون من و دوستان و اهل بیتم را از این ها بگیرد...

تاریخ گواهی می دهد، کاری که دولت صهیونی با فلسطینیان کرد را بیش از ۱۴۰۰ سال پیش، بنی امیه با علویان کوفه کردند. بعد از ترور امام مجتبی و فرمان لعن امیر مومنان علی (ع)، معاویه، حجر بن عدی، رهبر علویان کوفه و یارانش را اعدام کرد. کمی بعد جانشین او عمرو بن حمق را استاندار کوفه (زیاد بن ابیه) در حال فرار دستگیر کرد و سر برید. پس از آن ۲۰ هزار علوی کوفی را آواره کرد. باز هم تحقیر کردند و تحقیر.

آنقدر علویان در آن سالها تحقیر شدند که ترس نگذاشت به کاروان کربلا بییوندند و سر امام را هم بر نیزه دیدند. این آغاز خروش مقاومت علویان بود و به حکومت مختار ختم شد.

۲

پس از پیروزی مختار، ورق برگشت. بسیاری از بنی امیه در کوفه، کشته یا هزیمت شدند و داغ بر جگر حکومت یهود اسلام گذاشتند (اتفاقی شبیه طوفان الاقصی) در یکی از جنگ های سپاه مختار با سپاه اموی، صائب بن مالک اشعری از فرماندهان مختار به لشکرش می گوید: آن زمان که از آنها نکشته بودیم با ما کاری کردند که در تاریخ بنویسند، اگر مقاومتان بشکند و تسلیم شویم با ما چکار خواهند کرد؟

۳

بالاخره باز هم کوفه از مقاومت دست کشید، چنانکه در زمان امام مجتبی به مقاومت تن نداد و ذلیل شد. هفت هزار نفر توسط مصعب زبیری قتل عام شدند اما انتقام بنی امیه مانده

هر از گاهی، در پهنه ی حیات بشری و در صحیفه ی مظلومان، مردی برمی خیزد تا تنفس انسان ها را راحت تر کند، سستی ها و رکودها را به حرکت و شور وادارد، دست ها و دل ها را قوی کند و مردم و حتی یک جهان را به سوی خیر و والائی فراخواند. چنین مردانی بزرگ، در تاریخ جهان جاودانه می مانند. یحیی، وجدان بیدار تاریخ مقاومت و ایستاده مرد روزگاران بود. آزاده ای بی نظیر و فرمانده ای بی بدیل که با شوقی ملهم از راه سرخ شهیدان، جان های بی تاب را به میزبانی اشک و آتش برد. ستم های صهیون را سر برید، ستمگران تاریخ را به زوال کشاند و پلیدی و پلشتی قوم کودک کش را به عالم عیان ساخت. قلبش از یاد خدا سرشار بود. دستانش بوی زیتون می داد و خار و میخک را توأمان به دوش کشید. اندیشه اش عطر آگین از شکوه آئین وحدت و گامهایش تنها به راه حق استوار بود.

او کران تاکران حیات را از تحرک و مبارزه و مقاومت علیه طواغیت سرشار ساخت. آن ابر مرد، نمونه مسجّم شجاعت و در پله ی آخر عرفان ایستاد و جانش را فدای آرمانش کرد. از هیچ قدرتی جز خداوند واهمه نداشت و در برابر هیچ ابرقدرتکی سر تسلیم فرو نیاورد. در واقع یحیی که رحمت و رضوان خدا بر او باد، هسته ی یک مقاومت جهانی اسلام علیه بیداد و سیاهی و ظلم را بنیان نهاد. خون او زین پس خواهد جوشید و لشکر یحیی تا روز ظهور آمده ی میدانند. چشمان آفتابی او خلاصه ی همه ی روزهای آتش و خون بود. چشمان آفتابی او آئینه ی آئینه داران شد.

اصلاً چشمان او چشمان آفتاب شد...

پرواز او را که در میدان مرور می کنیم، از وجود با صلابت او برمی شویم: عطرناک و سبز و جاودانه...

عزای او عزایی بس تکان دهنده بود... سنگینی مصیبت باور کردنی نبود. در موج خیز حادثه ای چنان جان هابه حنجره ها بالا آمد... بَلَّغْتَ الْخَلْقُوم.

و او که رفت... کَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ.

بی شک باخبر بود که چه در انتظار اوست... وَ رُوحَ وَ رِیحَان وَ جَنَّةَ نَعِیم.

اینک در فقدان خورشید وجودش، که مظلوم زیست، مظلوم هم در میدان نبرد شهید شیرین ترین مرگ را نوشید به او می گوییم: سلام بر توای آینه ی مردان خدایی، سلامی شایسته بر تو بادا، سلامی بی پایان... فَسَلَامَ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ.



هفته دفاع مقدس و فرارسیدن سالروز شکست حصر آبادان بهانه ای بود برای سفر به سرزمین نخل های بی سر، به آبادان سرافراز؛ شهری که به واسطه حماسه های عظیمی که در طول تاریخ جنگ خلق نموده؛ علمدار مقاومت لقب گرفته است.

هیات تحریریه واحد رسانه و جریان سازی حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان این بار به آبادان سفر کرده تا راوی حماسه های شگرف و سترگ این خطه مقدس باشد..





اینجا خاکسپاری یک جوان ناکام نیست!

زینب حزباوی



ندید، لابد خواسته تا دل خودش را کمی سبک کند. اما چه بختی سبزتر از این که جوانان شهر را حسرت زده عاقبت بخیری این شیرپسر کرده است؟! الصلاة! الصلاة! قامت می بندیم تا شهادت دهیم محمد مهدی شاهرخی بیدار بود و به راه حسین (ع) خورش ریخته شد.

پسر کوچکش می گردد و حواسم پی پرچم می رود. در نظرم پررنگ تر شده است. صدای سنج و دمام به گوش می رسد. پرچم یا ابوالفضل العباس (س) همراه جمعیت در حرکت است. مردم اشک می ریزند و لبیک یا حسین (ع) و یاز هرا (س) می گویند. همه چیز آدم را یاد روز عاشورا می اندازد.

مرگ بر اسرائیل از سر زبان هانمی افتد. احساس تأسف در چهره ها نمی بینم، اما تا دلت بخواد آرامش است. مرد دشتا شیه پوش، منقل در دست گرفته و اسپند دود می کند. چشم بد دور از ملک و ملتی که شاهرخی ها دارند. دو پسر جوان از کنار رد می شوند و صدایشان را می شنوم که به هم می گویند ان شاء الله به زودی قسمت من و تو!

نزدیک گلزار شهیدار سیده ایم. چشمم به تابوت می افتد و به آن خیره می شوم. بی اختیار اشک می ریزم. مردان از هم سبقت می گیرند تا چند لحظه زیر تابوت جوانی را بگیرند که مرد میدان مبارزه با اسرائیل بود. ماشین سفیدی دم گلزار است که با گل و تور سبز آذین بسته شده است. سینی حنای تزیین شده ای را جلوی تابوت بر سر مزار می برند. گمانم کار مادر است. حالا که بخت یار جوانش نشد و او را در رخت دامادی

زینب حزباوی ابتدا و انتهای جمعیت رانمی بینم. ازدحام است؛ از همان ها که دلم می خواهد در آن گم شوم. جمعیت آرام پیش می روند.

پیرمردی چوقابه تن، ویلچر پیرزنی راهل می دهد. مسافتی را همراه مردم آمده اند و حالا گوشه ای ایستاده اند، سینه می زنند و به جمعیت نگاه می کنند. مادر جوانی که رنگ لاک و شلوار و کفشش یک دست عسلی است، دختر کوچکش را تمام راه در آغوش گرفته است. پسران دبستانی با مربیان شان آمده اند و عکس شهید را در دست دارند با همان جمله اش که "راحت بخواب، ما بیداریم". گمانم پسر بچه ها این روزها از سوپرمن های هالیوودی دل بریده اند و رستم دستان های گوشه و کنار شهرشان را پیدا کرده اند. ارتشی ها بالباس نظامی آمده اند و هر بار که مجری پشت بلندگو می گوید امروز شهید دیگری از ارتش در راه امنیت وطن فدا شد، ارتشی ها تبسمی می کنند و سرشان را بالاتر می گیرند.

از سربالایی های خیابان های شوشتر می گذریم. در مسیر، پرچم ایران و فلسطین و حزب الله را کنار هم می بینم. از دیدن این صحنه نفس عمیقی می کشم. پدری دنبال پرچم ایران برای

بر تمام مسلمانان فرض است...

الهام دبیرالدین



صحبت های حضرت آقا در ذهنش رژه می رفت.

بر تمام مسلمانان فرض است ...

بر تمام مسلمانان فرض است ...

بابغضی که روی سینه اش سنگینی میکرد با خود می گفت؛ خدایا چطور می توانم از درون آشپزخانه ی کوچک خانه، دعوت رهبرم را لبیک بگویم.

شیر آب را باز کرد، دست هایش را زیر آب گرفت، انگشتر مورد علاقه اش را لای انگشتان سفید و کوتاهش چرخاند، انگشتر زیبایی بود. سالها بود که از دستش جدا نشده بود. لحظاتی به فکر فرو رفت. دنیا برای او خیلی کوچکترا متعلقش خودنمایی میکرد. انگشتر را با نیت کمک به جبهه ی مقاومت به سختی از انگشتش بیرون کشید و به حکم ولی زمان خود لبیک گفت.

نزدیک ظهر بود، درب یخچال را باز کرد کیسه بادمجان ها را بیرون آورد و با وجدانی آسوده شروع به پوست کندن بادمجان ها کرد. احساس کرد حلقه کردن بادمجان ها با دست بدون انگشتر خیلی راحت تر از دست های سنگین شده از تعلقات دنیا است.

وارد آشپزخانه شد، چراغ را روشن کرد. طبق عادت همیشگی اول به سمت رادیویی که روی پیشخوان آشپزخانه بود رفت. موج دلخواهش را تنظیم کرد. با کبریت اجاق را روشن کرد و کتری پر از آب را روی شعله گاز قرار داد. رادیو شروع به گفتن اخبار کرد: دانگ دانگ دانگ ... جنگنده های رژیم غاصب صهیونیستی با موشکباران ضایحه در جنوب لبنان ... در ضایحه چه خبر بود؟ سید حسن کجا بود؟ چه بر سر امت حزب الله آمده بود؟ آیا بزرگترین دلگرمی کودکان غزه تمام شده بود؟

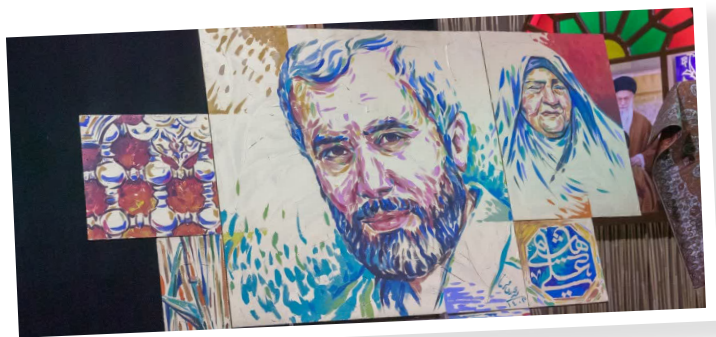
خبر خیلی سنگین بود! سنگین به اندازه ی بی خبری از شهادت رئیس جمهور محبوبمان ...

آب کتری به جوش آمد با چشمانی مالا مال از اشک چای خشک را درون قوری سفید ریخت و بادست های لرزان آب جوش را به آن اضافه کرد.

رادیو بدون مکث خبرها را پشت سرهم بخش میکرد. از طرف حضرت آقا بیانییه ای اعلام شد؛ بر تمام مسلمانان فرض است با تمام امکانات خود در کنار مردم لبنان و امت حزب الله سرافراز بایستند...

در اختتامیه رویداد هنری یوسف هور مطرح شد:

«هنر» ابزاری کارآمد برای افشای چهره خبیث استکبار است



◀ **فرزند شهید:**

◀ **همه هنرمندان بی منت این آثار را خلق کردند.**

حسین هاشمی، فرزند شهید علی هاشمی در آغاز این مراسم گفت: از همه کسانی که در سال‌های اخیر زحمت کشیدند تا جریانی که امروز شاهد آن هستیم شکل بگیرد، تشکر و قدردانی می‌کنم.

وی گفت: خدا را شاکرم که امروز شاهد رویداد هنری بسیار خوبی در این یادمان هستیم. آثاری که اینجا به نمایش گذاشته شده حاصل زحمات هنرمندان متعهد است و دست تک تک این عزیزان را می‌بوسم که بی‌منت این آثار را خلق کردند.

◀ **دبیر رویداد هنری یوسف هور:**

◀ **این رویداد عرض ارادت هنرمندان خوزستانی به شهید هاشمی است.**

مریم دباغ، دبیر این رویداد نیز با بیان این که رویداد یوسف هور عرض ارادت هنرمندان خوزستانی به سیدالشهدای خوزستان سرلشکر شهید علی هاشمی است، عنوان کرد: رویداد هنری یوسف هور به مناسبت بزرگداشت شهید علی هاشمی فرمانده قرارگاه سری نصرت به مدت سه روز و با حضور چهل هنرمند از جمله سید محمد رضا میری، حامد مغروری، فاطمه طیب و صدیقه احمدی در قالب‌های پوستر، نقاشی، گرافیک و تصویرسازی در یادمان شهید علی هاشمی برگزار شد.

آثار برگزیده در حوزه گرافیک و نقاشی در ارکان‌های شهری و محل یادمان استفاده خواهد شد و همچنین آثار منتخب در بخش اقلام فرهنگی در برگزاری مراسمات بزرگ این یادمان مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در پایان این آیین برگزیدگان رویداد هنری، معرفی و از آن‌ها تقدیر شد. بر اساس این گزارش، رتبه اول در بخش پوستر محمد فرهادیان، محمد متقی منش و زهرا سلمان صابری به ترتیب اول تا سوم شدند و اثر علیرضا خدیری به عنوان شایسته تقدیر معرفی شد. در بخش تصویرسازی نیز مهناز صابرپور، سیدرضا احمدی و فرزانه محمدی به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را از آن خود کردند. اثر حدیث کاظم پور نیز به عنوان برگزیده در سایر بخش‌های رویداد معرفی گردید.

شهید علی هاشمی و سردار قاسم سلیمانی و سایر سرداران رشید اسلام هستند که مقابل دشمنان تا پای جان ایستادگی کردند. این مردان بزرگ در ذهن جوان و نوجوان مادر حال فراموش شدن هستند و این وظیفه ماست که شهدای گرانقدر را از روش‌های مختلف نظیر هنر به آن‌ها معرفی کنیم. اکنون علاوه بر تدویم راه‌نورانی شهید در عزت بخشیدن به کشور و منطقه و همچنین ایجاد مسیر همدلی و برادری، باید آرمان‌های شهدا را نیز برای نسل‌های آینده تبیین کنیم. شاهوارپور افزود: جادار داز موسسه فرهنگی و هنری سردار شهید علی هاشمی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان، هیأت موسس مجمع طراحان انقلاب اسلامی آیه در حاشیه رویداد هنری یوسف هور و هنرمندان گرانقدر خوزستان برای برپایی این نمایشگاه ارزشمند، صمیمانه قدردانی کنیم.

◀ **مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خوزستان:**

◀ **ورود نوجوانان به هنر متعهد و اثرگذار ضروری است**

مدیر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان نیز در این مراسم، رویداد هنری یوسف هور را به مثابه مانوری برای هنرمندان استان دانست که به مرحله اجرا و عملیات رسید. مجید منادی، ضمن قدردانی از هنرمندانی که در طول برگزاری این رویداد زمان زیادی برای برنامه‌ریزی و ارزیابی گذاشتند، به انتشار آثار هنرمندان ایران در کشورهای منطقه اشاره و اظهار داشت: پس از شهادت علامه مجاهد سید حسن نصرالله، در تجمعات یم، آثار هنرمندان خوزستانی دیده شد که این مسئله نشان‌دهنده توان بالای فنی و مفهومی هنرمندان خوزستانی است. مدیر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان، با تأکید بر ضرورت ورود نوجوانان به هنر متعهد و اثرگذار اظهار امیدواری کرد تا این هنر ارزشمند در میان نسل جوان و نوجوان نیز اشاعه یابد و منجر به اثرگذاری صحیح و انتقال پیام والای آزادی باشد.

آیین اختتامیه رویداد هنری یوسف هور، با حضور جمعی از مسئولین و هنرمندان در یادمان سرلشکر شهید علی هاشمی اهواز برگزار شد.

◀ **فرمانده سپاه خوزستان:**

◀ **شهدا را باید به زبان هنر به دنیا شناسانده شود.**

فرمانده سپاه خوزستان، در این آیین با اشاره به شخصیت شهید علی هاشمی فرمانده قرارگاه سری نصرت، اظهار کرد: سرلشکر شهید علی هاشمی آسایش و آرامش را به کشور هدیه کرد. هنرمندان گرامی استان با هنر و استعداد‌های خود به تصویر کشیدند که یکی از مولفه‌های ارزشمند و برجسته کارهای هنری، به تصویر کشیدن زیبایی‌ها با هنر است.

سردار حسن شاهوارپور، زبان هنر را ابزاری موثر و کارآمد برای افشای چهره خبیث استکبار جهانی عنوان و تصریح کرد: نشان دادن چهره واقعی رژیم کودک‌کش صهیونیست و چهره مظلوم مردم غزه و لبنان از طریق هنر یکی از راه‌های موثر در حمایت از این مظلومان و معرفی شهدای جبهه مقاومت و حزب‌الله به نسل‌های جدید است. فرمانده سپاه خوزستان با بیان این که شخصیت والای شهید سید حسن نصرالله نیز باید به زبان هنر به دنیا شناسانده شود، گفت: سید حسن نصرالله نیز چهل سال مقابل پلیدترین رژیم جنایتکار جهان مبارزه کرد و نیاز است چهره و شخصیت این شهید گرانقدر نیز با خلاقیت‌های هنری برای آیندگان به تصویر کشیده شود. سرداران رشید اسلام نظیر سرلشکر شهید علی هاشمی سالها مقابل رژیم بعث ایستادگی کردند و برای دفاع از خاک ایران اسلامی جان خود را فدا کردند و رسالت معرفی آرمان‌های این شهدای گرانقدر به نسل‌های جدید بر عهده ماست. فرمانده سپاه خوزستان گفت: امروز رژیم صهیونیستی جنایتکار مردم غزه و لبنان را به صورت دسته جمعی با بمب‌های چندصد تنی مجازات می‌کند همانگونه که در دوران دفاع مقدس مردم مظلوم خوزستان و سایر شهرهای کشور به دست رژیم دست‌نشانده استکبار جهانی به خاک و خون کشیده شدند. شاهوارپور اظهار کرد: امروز قهرمانان ما





تولی و تبری

فاطمه صیادنژاد

خرید من که تمام شد و سوار ماشین شدم، خورشید هم به تاریکی می‌رفت. نزدیک اذان مغرب بود. تصمیم گرفتم به جای نماز فردی، نماز جماعت بخوانم. این شد که به جای خانه، سر از مسجد در آوردم. مهر و تسبیح را برداشتم و خودم را بین صف دوم جا دادم. همیشه کار جمعی بهتر از کار فردی است. جمع به کارت ضریب می‌دهد. بی خود نیست که خدا برای نماز جماعت ثواب بی حد قائل شده است.

نماز اول که تمام شد، مکبر صدا برآورد:
السلام علیکم ورحمة الله و برکاته، تکبیر!

چند نفر تسبیح به دست گرفتند تا ذکر بگویند و چند نفر هم به سجده رفتند تا مناجات کنند و صدای کم جانی بین مردم شکل گرفت: الله اکبر، الله اکبر، خامنه‌ای رهبر...

یاد جمعه‌ی نصر و آن نماز جمعه‌ی تاریخی افتادم. در شرایط جنگی، فقط سه روز بعد از موشک باران اسرائیل توسط دلاور مردان ما، و بعد از تهدید فراوان از جانب دشمن برای رهبران، در حالیکه همه احتمال واکنش دشمن را می‌دادند؛ رهبر ما ننشاند در پناهگاه نرفت بلکه با اقتدار و با شجاعت تمام، از دو روز قبل اعلام کرد که من فلان روز، در فلان ساعت، در فلان مکان مشخص هستم! و آمد. برخلاف همیشه که فقط نماز جمعه را می‌خواند، نماز عصر را هم خودش خواند. بعدش هم نشست به مناجات و احوالپرسی با مسئولین! زودتر از همیشه

آمد و دیرتر از همیشه رفت. سلاح در دست، در حالیکه انگشتش را از روی قنایه برداشته بود (بر خلاف دفعه‌ی قبل)، شروع به خطبه خواندن کرد.

غرا و کوبنده خطبه خواند. هم به زبان فارسی هم به زبان عربی! فصاحت خطبه‌ی عربی‌اش به قدری بود که کاربران عرب خارجی توییت زدند (حاکمان که هیچ) حتی علمای ماهم به این فصاحت و بلاغت نمی‌توانند صحبت کنند! خیلی از شبکه‌های خارجی برنامه‌های عادی شان را قطع کردند تا صحبت‌های رهبر ما را پوشش دهند.

دیدم با این صدای کم رفق حق مطلب ادا نمی‌شود. انرژی و افتخارم را درون صدایم ریختم و خودم هم با جمع هم صدا شدم:

خامنه‌ای رهبر، درود بر رزمندگان اسلام، سلام بر شهیدان (آیت الله مطهری، حاج قاسم سلیمانی، ابو مهدی، اسماعیل هنیئه، عماد مغنیه، سید حسن نصرالله و...)...

داشتیم به قسمت مرگ بر اسرائیل و مرگ بر آمریکا می‌رسیدیم. یاد جنایات وحشیانه‌شان در کشورهای مختلف افتادم. هر گوشه‌ای از کشورهای ثروتمند دنیا را که نگاه کنی نشانی از چپاول و خرابی و ویرانی و عقب‌نگه داشتن ملت آن کشور، توسط انگلیس و آمریکا خواهی یافت. فکر نمی‌کنم کشوری باشد که از سیاست‌های کثیف استعماری غرب ضربه نخورده باشد. تاریخ کشور ما که پر است از این ستم‌ها.

اسرائیل اما این روزها، چهره‌ی واقعی غرب را به نمایش گذاشته. چهره‌ای که شاید تا سال‌های گذشته پشت

لبخندها و دستکش مخملی و سیاست‌اصلاحات‌اراضی و انقلاب سفیدشان پنهان می‌کردند. با خودم گفتم مگر می‌شود کسی هر روز خانه‌های آوار شده‌ی ساکنان غزه، نوزادان خونی و مالی، مادران پریشان و سرگردان، پدران مستأصل، شهیدهای مظلوم غیر نظامی، کودکان جان داده از ترس و هزاران جنایت فاجعه‌بار ضد انسانی را از اسرائیل و آمریکا ببیند و صدای تکبیرش انقدر کم جان و بی‌خشم باشد؟!!

انزجارم را درون صدایم ریختم و بلندتر از همیشه گفتم: مرگ بر آمریکا مرگ بر انگلیس... خانم سمت راستی و خانمی که صف جلوی من بودند، به سمت من برگشتند و نگاهم کردند. چشمانم را به جلو دوختم. صدای خودم بیشتر از قبل درون سرم پیچید؛ مرگ بر اسرائیل جنایتکار.

خداوند همانطور که نماز و روزه و خمس و حج را واجب کرده، تولی و تبری را هم واجب گردانیده. و این تکبیرهای بعد از نماز که درود و سلام بر دوستان خدا و اعلام بیزاری از دشمنان خداست، اگر نمادی از ابراز تولی و تبری نیست، پس چیست؟

نماز بی «تولی و تبری» انگار یک چیزی کم دارد. تمام و کمال نیست.

نماز دوم که تمام شد و اعلام فرمان تکبیر مکبر توی مسجد پیچید، خانم‌های کناری من هم هم‌صدا با جمع شروع به گفتن کردند. حال انگار صدای آقایان هم ضریب پیدا کرده بود و بلندتر از قبل به گوش می‌رسید.

این است برکت جمع...

خانه‌هایمان سنگر حزب خداست!

راضیه نوروزی

کتاب را یک نفس خواند. «یعنی دیشب شهید تهرانی مقدم دید که به اسرائیل موشک زدیم؟! یعنی الان خوشحاله که به اسرائیل موشک زدیم؟!» هر جمله‌ای که می‌گفت دستش را مشت می‌کرد و توی هوا تاب می‌داد.

استاد آراسته در یادداشتی نوشتند: «این روزها هر خانه‌ای که در آن حرفی از مقاومت است یک سنگر از سنگرهای حزب الله است!»

این توفیق را از خانه‌هایمان دریغ نکنیم.

غروب از صحبت‌های رمزی بین من و پدرش موضوع را فهمید. چشم‌هایش را با نهایت توان باز کرد و زل زد توی صورتش: «من باورم نمی‌شه ماما! نه باورم نمی‌شه. مگه می‌شه سید حسن نصرالله بمیره؟!»

ناله کردم که: «نمرده پسر، شهید شده» و این شده موضوع صحبت جدید و تکراری من در این چند روز عجیب!

هر دفعه بعد از ابراز ناباوری از شهادت جناب سید با خوشحالی می‌گوید: «چه خوب که شهادت هست. چون شهید زنده‌ست. من دعایم کنم شما و بابا هم شهید بشید که همیشه زنده بمانید.» با بچه‌ها به زبان خودشان در سطح فهم و درک و توجه‌شان درباره این روزها صحبت کنیم. کودک و نوجوان امروز در گوش و هوش تیز است. عمیق می‌شود، بیشتر از ما حتی! اتفاقات مهم این روزها فرصتی است که نباید هدر برود. بچه‌های ما باید در جریان این سیلاب حقیقت پیش بیایند تا سرحد شجاعت! بی‌اطلاعی از حقیقت و جا ماندن، نتیجه‌ای جز بهت و تنهایی و ترس نخواهد داشت.

پسرک موشک باران ایران بر سر اسرائیل را که می‌دید ذوق می‌کرد: «همینومی خواستی اسرائیل؟! چشم‌هایش برق می‌زد و می‌گفت: «فکر کردی موشک نمی‌زنیم؟! بفرما! نوش جونت!» شنیدن حرف‌هایش یک گره کور از دلم باز کرد! حیف بود خوشحالی‌اش را، حس غرور و برتری‌اش را تکمیل نکنم و چه تکمله‌ای بهتر از کتاب. کتاب «بابای موشک‌ها» را مدت‌ها پیش خریده بودم و منتظر فرصت مناسب بودم که دستش بدهم بخواند.

من و همسر من آن چنان اهل گوش دادن به اخبار نیستیم، خبر را می‌خوانیم. در طول این یک سال ذهن پسرک از صحبت‌های ما و باقی اعضای خانواده با موضوع جنگ غزه آشنا شده. کرة جغرافیا را که هدیه گرفت بعد از پیدا کردن ایران، غزه و فلسطین اولین جاهایی بودند که روی کره جغرافیا دنبالش می‌گشت. هنوز کاغذ کادوی جعبه کره جغرافیا را باز نکرده بود که تند تند می‌پرسید: «مامان ایران کجا می‌شه؟ غزه کجاست؟ فلسطین کجاست؟ اسرائیل کجا می‌شه؟ خب اینا که فاصله‌شون تا ایران خیلی کمه چرا موشک نمی‌زنیم بهشون؟!»

دور نگه‌داشتنش از انیمیشن‌ها و بازی‌های قهرمان‌ساز خیالی و آشناسدنش با شهدای کشورمان مخصوصاً حاج قاسم فضای مناسبی برای گفتگو درباره مسأله غزه فراهم کرده بود. با این حال تا همین چند روز پیش شک داشتم آیا کار درستی می‌کنم که درباره جنگ بین حق و باطل، شهادت و آرمان فلسطین برای پسرک هفت ساله‌ام صحبت می‌کنم یا نه!

فیلم صحبت‌های شهید نیلفروشان را در یکی از مصاحبه‌هایشان که دیدم، متوجه شدم من و پسرک یک سال عقیم! شهید نیلفروشان از ۶ سالگی عاشق مبارزه و نابودی اسرائیل بوده. خبر شهادت جناب سید که رسید، پسرک توی اتاق بازی می‌کرد بی صدا! شک شدم و سعی کردم برای صحبت کردن چشمش نشوم.

نمی‌خواستیم در اوج بهت و شو که بودنم متوجه موضوع شود. جناب سید را یک الگوی قهرمان می‌شناسد.

درسومین همایش جوانان فعال فلسطین جهان اسلام اجرا شد:

سرود «النصر قریب» گروه خدام الزهرا

سمیه همت پور



سرود و موسیقی حماسی در خوزستان، به عنوان یکی از بخش های جبهه فرهنگی انقلاب و مقاومت در طول این سال ها مخصوصا از ابتدای رویداد طوفان الاقصی، شناخته می شود. از آثار فاخر تولید شده در این عرصه می توان به ناهنگ دو زبانه «النصر قریب» اشاره کرد که توسط گروه خدام الزهراء خوزستان منتشر و در سطح کشور و فراتر از آن در کشورهای عربی منطقه، بازخورد خوبی داشت. این اثر با هدف نشان دادن مظلومیت مردم فلسطین و مقابله با امپراتوری رسانه اسرائیل که سعی در وارونه کردن حقیقت دارد؛ تهیه و پخش شد. طولی نکشید که «النصر قریب» به طور چشمگیر و گسترده ای در فضای مجازی منتشر شد و مورد استقبال مردم آزاده و عدالت طلبان دنیا قرار گرفت.

گروه سرود خدام الزهراء در سومین همایش جوانان فعال فلسطین جهان اسلام و با دعوت و هماهنگی بین المللی حوزه هنری انقلاب اسلامی برای هنر نمایی در رشته سرود و ارائه جدیدترین و فاخرترین کارهای خود به جوانان جهان اسلام برای اجرای زنده در برنامه سالانه خود، در شهر استانبول ترکیه، از این هنر شورانگیز و دل نشین بهره مند شوند.

این گونه بود که گروه خدام الزهراء به عنوان نماینده هنرمندان ایرانی در بخش سرود به اجرای برنامه اجتماع فعالان محور مقاومت پرداختند؛ اجتماعی که با حضور بیش از بیست کشور مسلمان برگزار شده و تمام توان خود را پای کار آورده تا این پیام مهم را به دنیا مخابره کند که «النصر قریب».





«من الماضی ماخذتو الدرس زین؟»

◀ **شعری از محمدجواد ساعدی

حد یمته المکر یا زمزت الخوف
یا جیل الخبث! عباد الاوثان...
آنیرنگ و خدعه تاکی
ای شیطان پرستان
ترسو و بزدل!]
ردیتو یمن تاریخم عار!
نذکر کم الفات اشچان ماچان؟
دوباره بازی کثیفتان را شروع کردید؟
آیا به شما بازگو کنیم که چه گذشته ای داشتید؟
احنه الیحط راسه ابراسنه ابغیظ
لویاهو البیرید ایصیر خسران
هر کس با ما درافتد در وقت جنگ ونبرد
بی شک شکست خورده وذلایل خواهد بود
رزنین و نعرف افنوننه اشلون
ماضیعه وکت اطرا دهه اعنان
ما اهل نبرد و اهل میدانیم
وهرگز وقت کبرد افسار اسبها مان از دستمان در نرفته
ربتنه الشهاده و عیدنه الموت
نفظ چکلیت لو وکت الاجل حان
باشهادت بزرگ شده ایم و عید ما شهادت است
به راستی که شیرینی ومزد زندگیمان شهادت است
ابد مانهوا عش اصگارت ارگاب
شتهمون اذا گطعتو الاغصان؟
اهل پنهان شدن نبوده ایم ما اهل پروازیم
چه اهمیتی میدهد اگر شاخه ها را بشکنید؟
دفنونه ابسمه الله، ابطن الغیوم
اذا بلغاع مایوزیلنه امچان
در ابرها مارا دفن کنید
اگر زمین جایی برای جسدهایمان نداشته باشد
من الماضی ماخذتو الدرس زین؟
گبلکم هم اجانه، افلان وافلان
از گذشته درس عبرت نگرفتید؟
قبل شما نیز پدران شما باهمین خطه آمدند
چم قاسم ذبحتو من الحسین؟
چم کافل گطعتو چفه للآن؟
چند قاسم را از لشکر حسین به شهادت رساندید
چند علمدار را به شهادت رساندید؟
من گبرتو نار الواجهه ابلیس
گذر وجه الحقیقه ایضیعه دحان؟
آیا وقتی آتشی را که ابلیس روشن کرده بود بزرگ کردید؟
دود آتش توانست حقیقت را پنهان کند؟؟
اب اُحد من طاح حمزه و شمت الناس
مایدرون حیدر چانف اردان!!!
در جنگ احد وقتی حضرت حمزه شهید شد و دشمن
خوشحال شد
نمیدانست که علی سینه سپر کرده است
اذا واحد یطیح انگوم جیلین
ولچفوف المنایه انفتح الاحضان
اگر یک نفر ما را ترور کنین دو نسل به جایش به پامیخیزیم
و از مرگ وشهادت هراسی نیست
یلی استو حدیتو الشمس بلیل!
وین الملفه لووجه الصبح بان..
ای کسانی که خورشید را در شب تنها گیر آوردید
وقتی که صبح طلوع کند کجا میخواهید فرار کنید؟
وجه اب وجه مودعه وتلاگون
لأن بحر الغمیج ایرید سفان
اهل نبرد رو درو نیستید

«وما رمیت»

◀ حجت الله کفشیری

دوباره این فوران از دل دماوند است
خروش شب شکن خشم موج ارونند است
دوباره دست حق از آستین مظلومان ...
صدای سیلی دیوافکن خداوند است
گزند چشم بدان از سپاه شیران دور
که کوه و دشت و دمن غرق دود اسپند است
بخوان به نام خدا آیه های قرآن را
که دست شر شیاطین شوم در بند است
"و ما رمیت" بخوان، وقت بدر پیروزی است
که دست غیب، قدیر است و بی همانند است
زمین بخند که "قَلَّیْفَرُ حُوا" است حکم خدا
بچرخ و هلهله کن دور دور لبخند است
چقدر جای شهیدان خط شکن خالی است
به حالشان چقدر دل که آرزومند است

بازوی سست عنکبوت

◀ افشین علا

بنگر چه سان تعبیر شد کابوس صهیونی
لرزید بر خود پیکر منحوس صهیونی
عمری تظاهر کرد بر روئین تنی اما
برداشت ایران پرده از سالوس صهیونی
دیگر به آذیر خطر هر دم کند تکرار
آهنگ مرگ خویش را ناقوس صهیونی
از پا فتاد ای خودفروشان قامت دشمن
پس دست بردارید، از پابوس صهیونی
بیم از چه دارید ای سران؟ جز عنکبوتی نیست
با بازوانی سست، اختاپوس صهیونی
محو چه اید ای رهبران؟ جز پای زشتی نیست
لنگان و کج زیر پر طاووس صهیونی
از عطسه چرکین غم تا خاک گردد پاک
باید که گردد ریشه کن ویروس صهیونی
رحمی نباید کرد بر این غاصبان وقتی
کودک کشی فخر است در قاموس صهیونی
ای شمس خاور سر برآر از پرده چون دیگر
دارد به پت پت می رسد فانوس صهیونی

چون دریای طوفانی مرد شجاع می خواهد
لو من السمّه تعیلون بلغاع
لو من الگفا انطبرون قرآن!
یا از پشت خنجر میزنید
یا از آسمان به زمین حمله ور میشوید
سفتکو دم زلم، یسوون النکاب!
گول وفعل چانو مو حچی السان
خون شهیدانی را به زمین انداختید که الحق شایسته
عزاداری هستند
مردان نبرد و یله دار میدان بودند
چانو علسواتر من یجبلون
زین البیکم ایدورله دفان
وقتی که در جنگ ها میدردیدند
شجاعترین شما کسی بود که برای خودش لانه موشی
پیدا کند
وعدنه او یاکم ابثار! او تعرفون...
مانبرد علی الحگ ناس معدان....
ما اهل حقیم و از شما طلب خون داریم
و بی شک یک روز این حقمان را خواهیم گرفت

آغاز نصرالله

◀ مهدی عبدالله زاده

تقدیم به روح بلند و ملکوتی سیدالشهدای
مقاومت شهید سید حسن نصرالله
شبی آهسته رفتی در میان موج بیداری
شمیم لاله ای پیچید و خون سرخ شد جاری
زمان از دست دنیا رفت و من دیدم
سواری نیزه خورد و بر زمین افتاد سرداری
شما که نامتان فصل بلند باغ و بستان است
شبیهِ ریشه ای روئیدی در زیر آواری
تو را از ما گرفت در مهرماه، پاییز با بی مهری
نمی دانم برای رفتنت داری چه اصراری
طنین آسمان بودی شبیه بانگ پیروزی
نگاهت در نگاه حاج قاسم خورد انگاری
بگو از این حدیث و پویش آغاز نصرالله
تو اصل ماجرای که چنین در صدر اخباری
تو ابر آسمانی، کهکشانی، نور مهتابی
که دائم می شوی تکثیر و بر عشاق می باری
من از خونی که بر پیشانی ات بنشست دانستم
که دارد عاشقی هم رسم بسیاری
شدم شرمنده و آهسته در زیر لبم گفتم
چه برمی آید از دستم به جز حرف و غزل کاری؟
به گوشم می کنی نجوا، هزاران بار می گویی:
شهادت خلعتی زیباست تا مردن به بیماری
یلی افتاد اگر طوفان گرفت، آلهای بشکست
تو باید پا شوی و پرچمش را زود برداری



در دیدار با محمد شاوردی، استاد خوشنویسی مطرح شد:

«خوشنویسی»، هنر قدسی

خوشنویس ممتاز خوزستانی با بیان اینکه خوشنویسی هنری اسلامی است که با قرآن انس و الفتی دیرینه دارد، گفت: خوشنویسی هنری قدسی است که از صدر اسلام تا امروز با آیات قرآن پیوند نزدیکی دارد.

با بیان اینکه تابلوهای قرآنی جذابیت ویژه‌ای برای مخاطب دارد و روح قرآنی تابلو، جذب مخاطب را به دنبال دارد، ادامه داد: تلفیق ذوق خوشنویسی با تحریر کلمات و جملات قرآنی بیش از هر هنر دیگری زمینه جذب مخاطب را فراهم کرده است. شاوردی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ابزار تعالی هنر خوشنویسی در کشور گفت: حمایت از هنرمندانی که پیوند و قرابت نزدیکی با هنر اسلامی دارند زمینه تعالی هنر و ارائه هنر اثر بخش در جامعه را فراهم می‌کند.

وی با رد این ادعا که امروز هنر خوشنویسی، بدون نوآوری است و جایگاه خود را از دست داده است، اظهار کرد: شاید خوشنویسی از نظر فنی، حروف و کلمات قواعد خاص خود را داشته باشد اما ذوق و هنر خوشنویس ثابت نیست و خوشنویس می‌تواند با ترکیب هنر و ذوق خود هنری خلاقانه را بیافریند.

خوشنویس ممتاز خوزستانی در پایان با تأکید بر لزوم جدی گرفتن آموزش خوشنویسی در کشور یادآور شد: از نظر خط و ثلث و نثر در آموزش با وجود کارهایی که انجام شده، نیازمند توجه بیشتری در حوزه آموزش هستیم.

گفتنی است محمد شاوردی؛ ۲۴ مهرماه، به عنوان مدرس و سخنران کارگاه در سومین نشست از سلسله نشست‌های «آستان خط» که به همت حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان برگزار شد، حضور پیدا کرد.

بسیار بالا و خوبی بود که نمایشگاه را از دوره‌های پیشین متمایز می‌کرد. وی با بیان اینکه سطح کیفی آثار ارائه شده به نسبت دوسالانه قبل به ویژه در خط ثلث چشمگیر بود و شاهد آثار بسیار خوبی بودیم، عنوان کرد: برگزاری دوسالانه خوشنویسی، نقش مؤثری در ارتقای سطح کیفی خوشنویسان ایرانی دارد. شاوردی با بیان اینکه این نمایشگاه محلی برای ظهور و بروز توانمندی‌های خوشنویسان ایرانی است، بیان کرد: آموزش و همچنین ایجاد حس رقابت برای ارتقای کیفی آثار از عمده‌ترین نتایج برگزاری این دوسالانه است. وی با بیان اینکه خوشنویسی هنری اسلامی است که با قرآن کریم انس و الفتی دیرینه دارد، تأکید کرد: خوشنویسی هنری ناب و قدسی است که از صدر اسلام تا به امروز با آیات قرآن دارای پیوند نزدیکی است. این خوشنویس خط ثلث با اشاره به تلاش خوشنویسان ایرانی برای ارائه اثری ماندگار در حوزه قرآن، تأکید کرد: با توجه به حساسیت و ویژگی‌های قرآن به عنوان یک کتاب الهی، رسالت خوشنویسان نیز در نگارش آیات و همچنین کلمات آن بسیار مهم است. وی

«محمد شاوردی»، یکی از معتبرترین هنرمندان خوشنویسی در ایران است که به عنوان یکی از پیشوایان خط ثلث در کشور شناخته می‌شود. او قاری قرآن است و علاقه‌وی به خط ثلث نیز نشأت گرفته از فعالیت‌های قرآنی اوست.

آثار وی در نمایشگاه‌ها، کتاب‌ها و نشریات متعددی به نمایش درآمده و جوایزی را برای او به همراه داشته‌اند.

شرکت در بیش از بیست نمایشگاه داخلی و بین‌المللی، اجرای تخصصی چندین کارگاه و نشست در استانهای مختلف، شرکت در ساخت در بهای حرم حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام در مسجد کوفه، تدریس تخصصی نسخ و ثلث و محقق، تحریر بیش از پانصد تابلوی خط بخطهای ثلث و نسخ و محقق و همکاری با استاد بازسازی عتبات عالیات در کارنامه هنری او به چشم می‌خورد. محمد شاوردی، خوشنویس ممتاز خوزستانی در حاشیه سومین دوسالانه بین‌المللی خوشنویسی در گفت‌وگو، اظهار کرد: آثار ارائه شده در سومین دوره دوسالانه بین‌المللی خوشنویسی به ویژه در قسمت ثلث دارای ویژگی‌های





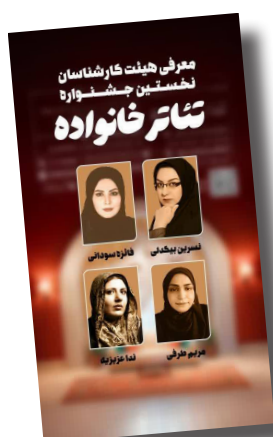
حضور بیش از ۱۰۰ خانواده در نخستین جشنواره تئاتر خانواده

بیش از ۴۰۰ نفر که شامل حدود ۱۰۰ خانواده است در نخستین جشنواره تئاتر خانواده شرکت کردند. پس از پایان مهلت ثبت نام جشنواره خانواده ها وارد مرحله تولید نمایش شدند و کارشناسان هر خانواده در انتخاب موضوع، متن و بازیگری به آن ها کمک می کنند. نخستین جشنواره تئاتر خانواده با هدف تحکیم روابط بین اعضای خانواده و کاهش آسیب های فضای مجازی به همت حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان و با مشارکت معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری اهواز برگزار می شود که این جشنواره ویژه خانواده های شهرستان اهواز و کارون می باشد و در آن خانواده ها با مشارکت همدیگر و با استفاده از ساده ترین وسایل و آرایه های منزل در همان فضای خانه به اجرای اثر می پردازند. اجرا و داوری آثار در خانه شرکت کنندگان توسط اعضای خانواده، نمایانگر این است که رویداد مذکور با محوریت خانه و خانواده و جایگاه ارزشمند آن در جامعه برگزار می شود. بیشترین شرکت کنندگان خانواده هایی هستند که دارای کودک و نوجوان هستند و اشتیاق فراوانی برای شرکت در این جشنواره دارند. اختتامیه این رویداد در آذرماه سال جاری برگزار و به منتخبین جوایز نفیسی اهدا خواهد شد. همچنین استعدادهای برتر تحت تعالیم اساتید حاذق این حوزه قرار می گیرند و به گروه های شاخص نمایشی معرفی خواهند شد.



هیات کارشناسان نخستین جشنواره تئاتر خانواده معرفی شدند

محمدشهباز گهروئی گفت: برای شرکت کنندگان این رویداد هنری، در حوزه ایده تا اجرا حلقه مفقوده ای به نام آموزش وجود داشت که تصمیم گرفتیم با کمک مربی (منتور) این مهم را انجام دهیم. دبیر نخستین جشنواره تئاتر خانواده افزود: نسرین بیگدلی، فائزه سودانی، مریم طرفی و ندا عزیزیه از بازیگران و هنرمندان با سابقه تئاتر هستند که در این مسیر تجربه بازیگری خود را با شرکت کنندگان به اشتراک می گذارد. رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان همچنین اظهار داشت: نظارت بر عملکرد رفتاری و حرکتی هنر جوینان، منسجم کردن اعضای تیم تیاتر با یکدیگر، مواجهه با متن نمایشی برای اجرا به ویژه از سوی کودکان و نوجوانان، ترکیب بدن، بیان و عواطف با طراحی بازی ها و تمرین های مورد نیاز از جمله اقداماتی است که توسط مربیان صورت می گیرد. به گفته ی وی، نخستین جشنواره تئاتر خانواده با هدف تحکیم روابط بین اعضای خانواده و کاهش آسیب های فضای مجازی به همت حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان و با مشارکت معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری اهواز برگزار خواهد شد. شهباز گهروئی افزود: این جشنواره ویژه خانواده های شهرستان اهواز و کارون می باشد و اجرا و داوری آثار در خانه شرکت کنندگان توسط اعضای خانواده، نمایانگر این است که این رویداد با محوریت خانه و خانواده و جایگاه ارزشمند آن در جامعه برگزار می شود.



با حمایت باشگاه فیلم هور حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان؛

نماهنگ فرهنگی «سرباز آینده» منتشر شد

دهیم که نسل های مختلف ایران اسلامی به ویژه نوجوانان ما، پشتیبان و حامی جدی جبهه مقاومت هستند. وی با بیان این که جامعه مخاطب دانش آموزان و خانواده آن ها بوده است، اظهار داشت: این اثر به شهید حسن طهرانی مقدم پدر صنعت موشکی ایران و یارانش که نوجوانان دیروز و معماران امروز امنیت اسلامی اند، تقدیم شده است. به گفته ی وی، آشنایی دانش آموزان با مسئله فلسطین زمینه ای فراهم می کند که فلسطین و مقاومت قهرمانان آن ها به دغدغه قشر کودک و نوجوان ما تبدیل شود و همین دانش آموزان در آینده نزدیک به روایت این ظلم آشکار برای دنیا بپردازند. سرخیلی گفت: نماهنگ سرباز آینده با حمایت باشگاه فیلم هور حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان و در موسسه فرهنگی هنری برتینا تولید شده است. وی افزود: محمد جواد ایزدیان تهیه کننده ی این اثر را به عهده داشته، امید حاصل فروش به عنوان تدوینگر ایفای نقش نموده و فیلم برداری آن نیز توسط رضا جوبند و مجید سودانی انجام شده است.



مهدی سرخیلی نویسنده و کارگردان نماهنگ فرهنگی سرباز آینده با اشاره به هدف ساخت این اثر گفت: هنر یکی از ابزارهای مؤثر برای روایت ظلم عظیمی است که در حق مردم فلسطین انجام می شود؛ لذا هدف ما این بود که در نماهنگ سرباز آینده ضمن روایتی هنری از حماسه مقاومت مردم فلسطین نشان



به همت روایت نویسان حوزه هنری خوزستان

«قیام قلم» برگزار شد

هادی سلامات، کارشناس روایت خانه حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان با اشاره به برنامه «قیام قلم» که در یادمان شهید علی هاشمی برگزار شد، گفت: این برنامه، قرار جمع نویسی روایت نویسان انقلاب اسلامی استان با محوریت شهادت سید حسن نصرالله و فعالیت های جبهه مقاومت بود که با حضور حدود ۵۰ نفر از روایت نویسان استان برگزار شد. وی افزود: در این نشست ها اتفاقات و اکاوی و دلیل پیدایش آنها بررسی می شود و اینکه واکنش ما روایت نویس ها چه چیز و چگونه می تواند باشد. به فرموده رهبر انقلاب به همه مسلمانان فرض است با امکاناتی که دارند از حزب الله و لبنان حمایت کنند. ما نیز احساس تکلیف کردیم که وارد عرصه شویم و با هنری که در اختیار ما است به این مسائل واکنش نشان بدهیم. کارشناس روایت خانه حوزه



با حمایت حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان؛

نمایش «اگر سر»

نویسنده و کارگردان نمایش «اگر سر» (متجاوز به سرزمین) گفت: این اثر هنری با حمایت حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان در واکنش به جنایات رژیم صهیونیستی در فلسطین و لبنان به صحنه نمایش می رود.

محمد گله ملکی، بابیان این که هنر نمایشی می تواند قالبی تاثیرگذار در بازتاب حماسه مردم مظلوم فلسطین و غزه باشد، افزود: باید تلاش کنیم با زبان هنر مظلومیت مردم فلسطین را به گوش دنیا برسانیم. این کارگردان با اشاره به فرمایش معمار کبیر انقلاب اسلامی مبنی بر این که هنر متعهد، هنری است که این مسائل را فریاد بزند، افزود: هدف ما این بود که با به تصویر کشیدن مظلومیت مردم فلسطین به جهانیان ثابت کنیم که ظلم پایدار نخواهند ماند؛ در همین راستا مواردی را به صورت درام در آورده ایم که برای مردم تازگی داشته باشد.

گله ملکی گفت: کارگردانی این اثر به صورت مشترک بر عهده من

و فرزاد رضایی بوده و کار در موسسه فیروزه و با حمایت حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان و بسیج هنرمندان تولید شده است. وی افزود: در تلاش هستیم تا این اثر را به جشنواره استانی و جشنواره فجر برسانیم تا همه مردم این کار را ببینند و تماشاگر را به درک این مظلومیت برسانیم. فرزاد رضایی، دیگر کارگردان نمایش «اگر سر» نیز با اشاره به این که هنر در عرصه های مختلف می تواند با تصویرگری ظلم صهیونیست ها به مردم مظلوم فلسطین، نقشی مؤثر در احقاق حق آن ها داشته باشد، اظهار کرد: در شرایطی که رژیم غاصب و کودک کش اسرائیل به راحتی چنین جنایات بزرگی را مرتکب می شود، تنها راهکار برای روایت مظلومیت مردم این سرزمین استفاده از زبان هنر است. وی افزود: با به کارگیری هنر مقدس می توان مظلومیت مردم غزه را به تصویر کشید و بسیار مفتخریم که با تولید این اثر توانستیم نقش کوچکی در این زمینه داشته باشیم.

باگردان نور

غلامرضا جاهدانی مقدم



قدرت الله به دعا بلند شد. همه نشسته بودند و کسی از جایش تکان نخورده بود. جو حاکم هم این اجازه را از من گرفت و من هم نشستم.

اللَّهُمَّ رَبِّ النَّورِ الْعَظِيمِ...
وَرَبِّ الْكَرْسِيِّ الرَّفِيعِ...
وَرَبِّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ...
وَمُنْزِلِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ...

عجب جذابیته در این فرازهای دعا وجود داشت و چقدر به دل می نشست.

همه چیز جذاب بود و دلنشین.
فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا...
سَهْلَهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا...
وَعَنَى وَعَنْ وَالِدَيَّ مِنَ الصَّلَوَاتِ...

نوای مداح با جملات دعای عهد، عجین شده بود و معجونی معنوی در اولین روز یادگان بما می داد.

زمانی صدای گریه بچه ها به اوج خود رسید که مداح می خواند
اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكِ خَتْمًا مَقْضِيًّا...

خدایا اگر حائل شد میان من و او (حضرت حجت عج) آن مرگی که قرار داده ای آن را بر بندگانت حتمی و مقرر،
فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِی، مُؤْتِرًا كَفْنِي، شَاهِرًا سِنْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي،
مُكَلِّبًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي
پس بیرونم آراز گورم، کفن به خود پیچیده با شمشیر آخته، و
نیزه برهنه، پاسخ گویان به ندای آن خواننده بزرگوار در شهر و

برای اولین بار بود که با گردان نور اهواز اعزام شده بودم. اسم گردان همیشه در ذهنم بزرگ بود و آرزویی برای پیوستن به آن بچه ها.

قبلاً هم با یگان دیگری اعزام شده بودم ولی بدلیل عملیاتی بود شرایط، از این برنامه ها کمتر دیده بودم.

و آنروز...

قبل از اذان صبح، با سر و صدای بچه ها بیدار شدم. باید برای نماز صبح مهیا می شدیم. دقایقی پیش از اذان بود که به طرف دستشویی های صحرایی حرکت کردم.

هوا تاریک بود و باید مسیر صد متری را از مسیری طی می کردم. بین راه از گوشه و کنار صدای حق هق گریه و زجه به گوشم آمد. کمی جا خوردم و سریع گذشتم و باز جلوتر، صدایی دیگر و گریه ای سوزناک تر.

برای اولین بار بود که با صحنه های معنوی بچه های جبهه و جنگ را در آن حالات فردی آنهم در آن ساعت و روی خاک می دیدم.

وارد فضای جدید و تجربه نشده ای شده بودم که همه چیز برایم تازگی داشت و غیر منتظره.

بعد از گرفتن وضو وارد طبقه سوم ساختمان سیمانی و نیمه کاره محل اسکان شدم و گوشه ای در صف جماعت نشستم تا نماز جماعت شروع شود.

فرمانده گروهان اذان گفت، اذانی محزون و اشک دراز که باز برایم تازگی داشت و اثرگذار. خصوصاً در شرایطی که اسمش اعزام به جبهه بود و جان دادن بود و برنگشتن.

نماز خوانده شد و آماده رفتن به زیر پتوی گرم، که صدای دلنشین

پوستر نخستین جشنواره روایت هنری گردشگری مقاومت رونمایی شد



پوستر این جشنواره هنری با حضور فرمانده سپاه حضرت ولیعصر خوزستان، فرمانده قرارگاه بهداری رزمی جنوب، مدیر مرکز استانی حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس آجا در جنوب غرب، فرمانده بهداشت و درمان جنوب غرب نزا، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان، مدیر کل محترم بنیاد شهید استان خوزستان، خانواده شهید علی هاشمی و جمعی از هنرمندان رونمایی گردید.

به گفته نعیمة سمیری، دبیر جشنواره، این رویداد برای معرفی و شناخت بهتر گردشگران از مکان رویدادهای باقی مانده از دفاع مقدس با موضوع کادر درمان و بیمارستان های صحرایی برگزار می شود.

نعیمة سمیری در این باره گفت: با توجه به اهمیت گردشگری مقاومت و لزوم برجسته سازی این مفهوم در صنعت گردشگری مرتبط با تاریخ مقاومت و آگاهی سازی گردشگران با موضوعات اجتماعی و تاریخی و پتانسیل های باقی مانده از دفاع مقدس این جشنواره برای نخستین بار در خوزستان برگزار خواهد شد.

وی گفت: هنرمندان، عکاسان، مستندسازان، روایت نویسان و هنرمندان حوزه موشن گرافی می توانند با شرکت در این جشنواره هنری بازبان هنر به موضوع بیمارستان صحرایی که در دوران دفاع مقدس نقش حیاتی در درمان و نجات جان رزمندگان داشته، بپردازند و روایت گر قصه حماسی منجیان سلامت در دوران دفاع مقدس باشند. این جشنواره با مشارکت مرکز رشد هسته های مردمی حوزه هنری استان خوزستان برگزار خواهد شد.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سید موسی بلادیان

• سردبیر: مجید منادی

• دفتر مرکزی: اهواز، خیابان شریعتی، خیابان شهید شریفزاده، پلاک ۷۴، طبقه دوم

• مدیر تحریریه ویژه نامه: محمد شهباز گهروبی

• سردبیر ویژه نامه: فردین کوراوند

• دبیر اجرایی ویژه نامه: محمد محمدزاده

• مدیر هنری: رضا غلامی

• روابط عمومی ویژه نامه: الهام سید صاحبی

راه‌های ارتباطی تحریریه ویژه نامه

• دفتر مرکزی: اهواز، خیابان شریعتی، خیابان شهید

شریفزاده، پلاک ۷۴، طبقه دوم

• تلفن: ۰۶۱-۳۳۷۳۱۳۱۲-۱۴

• ایمیل: ravabetomoomi@artkhuzestan.ir

• شماره واتساپ: ۰۹۰۱۶۶۵۵۹۶۵

• آدرس فضای مجازی: farhangejonoub_online

• artkhaz.ir



فرهنگ جوان خوزستان

ویژه نامه فرهنگی روزنامه فرهنگ جنوب با همکاری مرکز رسانه و ارتباطات حوزه هنری استان خوزستان

■ مهر و آبان ماه ۱۴۰۳ | سال سوم | ۱۲ صفحه | شماره ۴۰

آثار خانم مهناز صابرپور با موضوع محور مقاومت

